

فصلنامهٔ لسان مبین (پژوهش ادب عربی)

(علمی - پژوهشی)

سال پنجم، دورهٔ جدید، شمارهٔ پانزدهم، بهار ۱۳۹۳، ص ۱۲۰-۱۰۱

نشانه شناسی عنوان

مقایسهٔ تحلیلی - تطبیقی عنوانهای «یکی بود یکی نبود» جمالزاده و «الوثبة الأولى» محمود تیمور*

شهره معرفت

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عربی

حبیب الله عباسی

استاد دانشگاه تربیت معلم - تهران

چکیده

عنوان، آستانهٔ ورود به متن و پاره‌ای جدایی‌ناپذیر از آن است. خواننده پیش از خواندن متن، با نظام نشانه‌شناسیک عنوان روبرو است، نظامی که متنی موازی با متن اصلی می‌آفریند. در این نوشتار، با مقایسهٔ تحلیلی - تطبیقی عنوانهای دو مجموعهٔ داستانی «یکی بود و یکی نبود» سید محمدعلی جمالزاده و «الوثبة الأولى» از محمود تیمور، به خوانش شکلی، محتوایی، ساختاری و داستانی عناوین این دو مجموعه پرداخته شده است. مجموعه‌های داستانی «یکی بود و یکی نبود» و «الوثبة الأولى»، از نخستین نمونه‌های گونهٔ داستان کوتاه جدید در ایران و مصر است. دگرگونی ساختارهای ادبی - داستانی در عناوین این دو مجموعه آشکار است. عناوین مجموعهٔ داستانی «الوثبة الأولى»، نسبت به مجموعهٔ «یکی بود و یکی نبود»، از منظر شکل و محتوا، از تنوع و پویایی بیشتری برخوردار است. خیال‌انگیزی عناوین «یکی بود و یکی نبود»، موجب پرورش جنبه‌های ادبی - داستانی این عنوانهاست، حال آن که نمود واقع‌گرایی تیمور در «الوثبة الأولى»، در عناوین این مجموعه به روشنی مشهود است. تأکید جمالزاده بر زبان و تمرکز تیمور بر محتوای انتقادی داستان، از عناوین این دو مجموعه آشکار است.

کلمات کلیدی: عنوان، نشانه‌شناسی، جمالزاده، تیمور، یکی بود و یکی نبود، الوثبة الأولى.

* - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۲/۲۱ تاریخ پذیرش نهائی: ۱۳۹۲/۱۱/۱۶

نشانی پست الکترونیکی نویسنده: shohratmarefat@yahoo.com

۱. مقدمه

۱.۱ تعریف مسأله

عنوان^۱، آستانه ورود به متن و پاره‌ای جدایی‌ناپذیر از آن است که در نخستین برخورد خواننده با متن، انگاره‌هایی را در ذهن او می‌آفریند و دارای معانی و کارکردهای مختلفی است؛ به گفته ابوالفتح البستی: «أولُ مَقْرُوءٍ مِنَ الكُتُبِ عُنْوَانٌ». (ثعالبی، ۱۹۸۳م: ۲۳۰/۴) شناخت آثار بر اساس عناوین آنها و تحلیل و تبیین این عناوین از جمله رویکردهای نشانه‌شناسی است که مخاطب را پیش از خواندن اثر به سوی متن راه می‌برد و میزان خلاقیت یا تقلید نویسنده را نیز می‌نمایاند. این عناوین از منظر زبان، شکل، محتوا و ساختار ادبی قابل تحلیل و تبیین هستند.

عناوین، از جمله عناوین داستانی، از جریان‌های تاریخی-ادبی متأثر بوده‌اند. این عناوین، اغلب تا پیش از مشروطه در ایران و پیش از نهضت در ادبیات عرب، با توجه به آرایه‌های لفظی و با تکلف و تصنع انتخاب می‌شدند، اما سادگی زبان و دگرگونی محتوا، پس از دوره‌های یادشده، بر این عناوین نیز تأثیر گذاشت و ساخت شکلی، زبانی و محتوایی آنها را دگرگون کرد. در این نوشتار برآنیم تا بر اساس عناوین داستانی دو مجموعه نخستین داستان کوتاه در ایران و مصر، گذار عنوان از سنت به تجدد را نشان دهیم و با مقایسه‌ای تطبیقی، از رهگذر بررسی و تحلیل عناوین این دو مجموعه داستانی، به پرسشهای زیر پاسخ دهیم:

- نقش عنوان داستان؛ یعنی نخستین بخش خوانشی آن در بافت داستان چیست؟
- عنوانهای داستانی، در روزگار واقع‌گرایی داستان جدید، تا چه میزان وامدار عناصر سنتی داستان‌نویسی کهن است و تا چه حد به ویژگیهای داستان‌نویسی امروز نزدیک شده است؟

این پرسشها انگاره‌هایی را در ذهن نگارندگان پدید آورده است؛ از جمله:

- عنوان داستان، به عنوان نخستین بخش داستان، با توجه به کارکردهای مختلفی که می‌یابد، امکان خوانشی را پیش از خواندن متن، برای مخاطب فراهم می‌آورد که گاه ذهنیت مخاطب با خواندن متن از این خوانش عنوانی در هم می‌شکند یا بر عکس تأیید می‌شود.
- عناوین داستانی در روزگار جدید، با تغییر زبان، شکل و محتوای داستان جدید تغییر یافته‌اند، هر چند نمودهایی از سنت همچنان در آنها باقی است.

اهمیت عنوان را می‌توان در سخنانی نظیر «الکتابُ يُعْرَفُ بِعُنْوَانِهِ» ملاحظه کرد و از امثالی چون «أَعْرِفُ الْكِتَابَ مِنْ عُنْوَانِهِ» دریافت. (ر.ک: الحسینی، ۱۴۲۰ق: ۱۰) دیگر آن که برخی عنوان را از

«رؤوس ثمانية» دانسته‌اند. گذشته از آن، اهمّیت عنوان^۲ تا آن جا است که «هر خوانش پویایی از عنوان آغاز می‌شود. عنوان جزئی زائد از زبان نیست که بتوان آن را از متن جدا کرد» (رحیم، ۲۰۰۸م: ۳۳۴)؛ به باور شفیعی کدکنی، نقش عنوان در متن تا حدّی است که تحلیل ذهّیت یک نویسنده، با توجّه به عناوین آثار او ممکن است. (ر.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰ش: ۲۶۵)

۱.۲ پیشینه پژوهش

عنوان کتاب، از دیرباز مورد توجّه پژوهشگران شرقی، از جمله فارسی‌زبانان و عرب‌زبانان بوده است؛ به عنوان نمونه آثاری نظیر *أدب الکتاب* عبدالله بن مسلم ابن قتیبه الدینوری (۲۷۶هـ.ق)، *الإقتضاب فی شرح أدب الکتاب*، *أبی محمّد عبدالله بن محمّد بن السّید البطلیوسی* (م ۵۲۱هـ.ق)، *صبح الأعشی أبو العباس القلقشندی* (م ۸۲۱هـ.ق) و... هر یک بخشی را به «عنوان» اختصاص داده‌اند. در ادبیات عربی بیش از ادبیات فارسی، به نقش و اهمّیت عنوان پرداخته شده و پژوهشهایی نظری و کاربردی ساختاری و روش‌مند درباره‌ی عنوان انجام گرفته است. پیدایش «دانش عنوان»، «تاریخ عنوان»، «نظریه‌ی عنوان» و تنظیم فهرستهایی؛ نظیر «کشف عنوان» (کشف العناوین یا الکشف العام للعناوین) و «فهرس العناوین» و «نمایه‌ی عنوان» و «فهرست‌واره‌ی عناوین»، نتیجه‌ی این پژوهشهاست.

در غرب پژوهش درباره‌ی عنوان از دهه‌ی شصت قرن بیستم میلادی آغاز شد. «پژوهشگران اروپایی، از سال ۱۹۶۸م. به پدیده‌ی عنوان توجّه نشان دادند. دو پژوهشگر فرانسوی، به نامهای فرانسوا فوریه (Francois Fourier) و آندره فانتانا (Andrie Fantana)، با نگارش کتابی با عنوان *عناوین کتاب در قرن هشتم؛ مقدمه‌ی پیدایش علمی جدید*، با نام «علم عنوان» (La titrologie) (علم العنونة) را پدید آوردند. در سال ۱۹۷۳م. کلود دوشه (Claude Duché)، در کتابی با عنوان *دوشیزه سرگردان و توحش انسان*، سرآغاز عنوان‌روایی، مزده‌ی پیدایش شاخه‌ی پژوهشی تازه را داد... لیو هوک نیز با کتاب *نشانه‌ی عنوان* (Marqu du Titre) در سال ۱۹۷۳م. نقش بارزی در تأسیس علم عنوان داشت، کتابی که به درستی، از هر نظر مرجعی در شناخت عنوان به شمار می‌آید. علاوه بر آن شارل گریول (Charles Grivel)، در کتاب خود با عنوان *ره‌آورد تلاش روایی، فصلی را مختصّ «قدرت عنوان» قرار می‌دهد*. پس از وی ژرار ژنت، بررسی جامعی را درباره‌ی متون موازی... در کتابهای نسخه‌های خطّی (palimpseste) و آستانه (seuils) ارائه می‌دهد؛ کتاب دوم منبعی حقیقی و عمده در مفهوم علمی عنوان است.

ژنت، عنوان را مهمترین عنصر در متون موازی می‌داند. افراد دیگری نظیر رابرت شولز (Choles Roberte) در کتاب زبان و گفتمان ادبی، ژان کوئن (Jean Cohen) در کتاب ساختار زبان شعر و دیگرانی نظیر ژان مولینو (Jean Maulino) و هنری میتران (H. Mitterrand)، نقشی حیاتی در شکل‌گیری و توانمندسازی پژوهش درباره‌ عنوان در غرب داشتند. (رحیم، ۲۰۰۸م: ۳۲۴-۳۲۵)

۱.۳ گستره پژوهش

مجموعه‌های داستانی «یکی بود و یکی نبود» (۱۳۰۰ش) جمالزاده در ادبیات داستانی فارسی و الوثبة الأولى (۱۹۳۷م) تیمور، در ادبیات داستانی عربی، نقطه‌ عزیمت داستان کوتاه فارسی و عربی، به عنوان گونه‌ای جدید در داستان‌نویسی است. با دگرگونی نوع داستان و پیدایش گونه‌های جدید، عنوانهای سنتی پیشین نیز دگرگون می‌شود و زبان، شکل، ساختار و محتوایی تازه می‌یابد. مجموعه‌ داستانی «یکی بود و یکی نبود»، شامل شش داستان کوتاه با عناوین «فارسی شکر است»، «رجل سیاسی»، «دوستی خاله خرسه»، «درد دل ملأ قربانعلی»، «بیله دیگ بیله چغندر» و «ویلان الدوله» است و مجموعه‌ داستانی الوثبة الأولى، شامل دوازده داستان کوتاه با عناوین «عم متولی»، «ضریح الأربعین»، «الشیخ جمعه»، «مهزله الموت»، «بنت الجیران»، «الله یرحمه»، «القلم الأبنوس»، «الأجرة»، «أب و ابن»، «یحفظ فی البوسطه»، «سبب التعارف» و «مغفل» است.

۱.۴ شیوه پژوهش

در این پژوهش، بر اساس مبانی نشانه‌شناسی (semiotics)، به تحلیل عناوین داستانه‌های مذکور پرداخته شده است. نشانه‌شناسی، مطالعه نشانه‌ها، فهم روابط میان آنها و پرداختن به فرایندهای تأویلی است. در نشانه‌شناسی متون ادبی، رمزگانهای ادبی نقشی مؤثر دارند، هر چند متون ادبی را نمی‌توان کاملاً در این رمزگانها محصور کرد، تا حد امکان می‌توان به نقش و معنای آنها پی برد. به باور امبرتو اکو، نشانه‌شناسی با هر آنچه بتواند یک نشانه قلمداد شود، ارتباط دارد. (Eco, 1979:7) نشانه‌شناسان به عناصری مختلف در متن توجه دارند؛ از جمله رابطه ساختاری میان دال (تصویر آوایی) و مدلول (مفهوم)، معنا یافتن نشانه‌ها در تقابل با دیگر نشانه‌ها، بررسی دلالت‌های ضمنی، مطالعه فنون بلاغی، گفتمان حاکم و عناصر آن، تحلیل محورهای همنشینی و جانشینی در متن، روابط بینامتنی و ... (رک: مکاریک، ۱۳۹۰ش: ۳۲۷-

۳۳۴) در این نوشتار، بر اساس مبانی نشانه‌شناسی، به تحلیل و واکاوی رمزگانهای عناوین داستانی مورد مطالعه پرداخته شده است.

۲. تعریف عنوان

برخی پژوهشگران، عنوان را تعریف‌ناپذیر می‌دانند. «لیو هوک (Leo Hock) اعتقاد دارد که ارائهٔ تعریفی مشخص از عنوان، به علت کاربرد آن در معانی متعدد دشوار است» (رحیم، ۲۰۰۸:م:۳۳۳)، اما برخی دیگر به تعریف این اصطلاح پرداخته و عنوان را «متنی جزئی» (Micro-texte) دانسته (نک. بلقاسم، ۲۰۰۷:م:۹) یا «متنی موازی»^۲ با متن اصلی خوانده‌اند. (رحیم، ۲۰۰۸:م:۳۳۴) به اعتقاد جمیل حمداوی، «عنوان نظامی نشانه‌شناسی است که دارای ابعاد معنایی و نمادین است که پژوهشگر را به دنبال کردن آن معانی برمی‌انگیزد» (قطوس، ۲۰۰۱:م:۳۳) و با گسترش متن، «عناصر خفته و ساکن را در ذهن خواننده آگاه یا ناآگاه از بارهای فرهنگی و فکری آن می‌گشاید و خواننده بلافاصله فرایند تفسیر را آغاز می‌کند.» (همان: ۳۶) از جملهٔ این عناوین، عناوین ادبی - داستانی است. التونسی، پدید آمدن عنوان ادبی را حاصل «سنت‌های زبانی + سنت‌های نمادین نشانه‌شناسی (خط، رنگ، جلوه‌های اجتماعی و ایدئولوژیک)» می‌داند. (رک: التونسی، بی تا: ۵۲۴)

۳. تحلیل عناوین دو مجموعهٔ داستانی یکی بود و یکی نبود و الوثبة الأولى

۳.۱ از منظر شکل

الف) ساخت عنوان

عناوین داستانی یا ساختی یک کلمه‌ای دارند یا عبارتی یا جمله‌ای. عنوان کلی مجموعه داستان جمالزاده، یعنی یکی بود و یکی نبود، عنوانی جمله‌وار و عنوان مجموعه داستان تیمور، الوثبة الأولى، ترکیبی وصفی است. عنوانهای فرعی مجموعهٔ یکی بود و یکی نبود، از عناوین یک کلمه‌ای تهی است. عنوانهای ترکیبی، نظیر «رجل سیاسی»، «دوستی خاله خرسه»، «درد دل ملأ قربانعلی»، «ویلان الدوله» در این مجموعه دارای بیشترین بسامد است و جمله‌هایی نظیر «فارسی شکر است» و «بیله دیگ بیله چغندر» عناوینی متنوع را در این مجموعه آفریده است. در مجموعهٔ داستانی الوثبة الأولى، عناوین یک کلمه‌ای، نظیر «الأجرة» و «مغفل» ملاحظه می‌شود. عنوانهای ترکیبی در این مجموعه، یا عبارت اضافی است، نظیر «عم متولی»، «ضریح الأربعین»، «الشیخ جمعه»، «مهزلة الموت»، «بنت الجیران» و «سبب التعارف» یا ترکیب وصفی، نظیر «القلم

الأبنوس» یا عطفی است، نظیر «أب و ابن». عنوانهای جمله‌ای «الله یرحمه»، «یحفظ فی البؤسطه» نیز در این اثر ملاحظه می‌شود.

ساختهای مختلف عنوان، هر چند در هر دو مجموعه ملاحظه می‌شود، اما این عناوین در مجموعه داستانی الوثبة الأولى از تنوع و پویایی بیشتری برخوردار است. عناوین جمله‌وار در هر دو اثر، عناوینی کوتاه با اجزای یک جمله کامل است و زاویه دید در آنها، سوم شخص است: یکی بود و یکی نبود، «فارسی شکر است»، «بیلهدیگ بیله‌چغندر»، «الله یرحمه»، «یحفظ فی البؤسطه». وجه خطابی در هیچ‌یک از عناوین داستانی این دو مجموعه نیامده است و این مسأله، تأکیدی بر نویسنده‌گرایی نویسندگان این دو مجموعه در عناوین و نادیده انگاشتن مخاطب است. وجه اخباری عناوین «فارسی شکر است»، «بیلهدیگ بیله‌چغندر» و «یحفظ فی البؤسطه»، به سبب قطعیتی که در آن است، از میزان خوانشهای جدید خواننده می‌کاهد. گذشته از آن، قطعیت زمان حال را نیز باید بر آن افزود؛ زیرا «عامل زمان در جمله، نشان‌دهنده میزان فاصله گوینده یا نویسنده با موضوع است... زمان حال بیشتر از گذشته، قطعیت دارد و ساختهای مختلف گذشته نیز به همان نسبت که از حال فاصله می‌گیرد، فاصله گوینده و دیدگاه وی را بیشتر می‌کند.» (فتوحی، ۱۳۹۰ش: ۲۹۱) جمله اسنادی «فارسی شکر است» و جمله مجهول «یحفظ فی البؤسطه» نیز بر ناپویایی عنوان می‌افزایند، حال آنکه وجه تمنایی «الله یرحمه»، فضای خیال‌انگیزی عنوان را می‌گسترده. گذشته از آن، در عناوین مجموعه الوثبة الأولى، عناوین نکره نظیر «أب و ابن» و «مغفل»، هرچند فضای خوانش خواننده را می‌گسترند، اما بسامد آنها نسبت به عناوین معرفه اندک است.

ب) عناوین شکلی

عناوین شکلی (یا تجنیسی)، نوع اثر و گاه گونه آن را مشخص می‌کنند؛ برای مثال عنوان یکی بود و یکی نبود، یا عنوانهای فرعی این مجموعه «حکایت اول»... «حکایت ششم»، به روشنی نشان‌دهنده نوع داستانی اثرند، هرچند که این عناوین، نشانی از گونه داستان کوتاه ندارند و خواننده را در درک زمان نگارش داستان و تعلق آن به سنت داستان‌نویسی کهن یا داستان جدید به اشتباه می‌اندازند؛ چرا که عنوان «یکی بود و یکی نبود» و عنوانهای فرعی «حکایت»، موجب می‌شود تا خواننده در انتظار داستانی کهن، با ویژگیهای حکایتی^۱ باشد، حال آن که این عناوین متعلق به گونه داستان کوتاه جدید است.

عناوین «دوستی خاله خرسه»، «درد دل مآ قربانعلی»، «بیله‌دیگ بیله‌چغندر» و «ویلان‌الدوله» در مجموعهٔ داستانی جمالزاده و «عم‌متولی»، «الشیخ‌جمعه»، «مهزلهٔ الموت»، «بنت الجیران»، «أب و ابن»، «مغفل» در مجموعهٔ داستانی تیمور را، نیز می‌توان از جمله عناوین شکلی دانست که نوع داستانی اثر را مشخص می‌کند.

۳.۲ از منظر محتوا

الف) تقابل سنت و تجدّد

در شش داستان کوتاه جمالزاده در مجموعهٔ یکی بود و یکی نبود، عناوین داستانی در ظاهر تقابلی ندارند، تنها می‌توان در عنوان این مجموعه، تقابلی واژگانی (بود/ نبود) یافت؛ اما از منظری دیگر ذکر عنوان «حکایت»، در آغاز هر شش داستان این مجموعه، در کنار عنوان مجموعه، یعنی یکی بود و یکی نبود، یادآور ساختار سنتی قصه‌ها و حکایتهای ادبیات داستانی کهن است^۷، حال آن‌که شکل و محتوای داستانهای این مجموعه با داستانهای کوتاه جدید انطباق دارد و این مسأله موجب ایجاد تقابل میان این عنوانهای سنتی با شکل و محتوای جدید داستان است. عناوینی نظیر «دوستی خاله خرسه» نیز که ریشه در حکایات فولکلور فارسی دارد، بر شدت این تقابل می‌افزاید.

از میان داستانهای مجموعهٔ الوثبة الأولى، عنوان داستان «أب و ابن» دارای تقابل است؛ تیمور در این تقابل دوگانه، با تقدیم ذکر پدر (أب)، بر پسر (ابن)، نوعی برتری به پدر داده و سنت را مقدّم بر تجدّد آورده و براعت استهلالی آفریده است.

عنوان دو مجموعهٔ داستانی جمالزاده و تیمور، با یکدیگر در تقابل است؛ عنوان یکی بود و یکی نبود، با تعلق به دنیای سنت، یادآور حکایتهای سنتی پیشین و ادبیات شفاهی کهن، در تقابل با عنوان مجموعهٔ الوثبة الأولى (نخستین جهش) است که معنای دگرگونی و شدن را در خود دارد، گویی تیمور با گزینش عنوان الوثبة الأولى، بر این مسأله تأکید دارد که مجموعهٔ داستانی وی، شامل نخستین نمونه‌های گونهٔ داستان کوتاه جدید است. تیمور، با ذکر صفت «الأولی» در عنوان الوثبة الأولى، وجود پیشینه‌ای را برای گونهٔ داستان کوتاه مردود می‌داند؛ حال آنکه در مجموعهٔ داستانی یکی بود و یکی نبود، جمالزاده گویی با این اعتقاد این عنوان را برگزیده است که قصه پیش از این بود، اما داستان نبود.

افزون بر آن، نشانه‌های دیگر تجدد، نظیر البوسطه (پست) در الوثبة الأولى ملاحظه می‌شود. توجه به زن نیز که در عنوان «بنت الجیران» نمود یافته است، نشانه‌ای دیگر از تجددگرایی تیمور است و این تنها نشانی که از زنان در عنوانهای این دو مجموعه، ملاحظه می‌شود. این بسامد اندک در تقابل با بسامد فراوان عناوینی با نشانه‌های مذکر نظیر «رجل سیاسی»، «درد دل ملأ قربانعلی»، «عم متولی»، «الشیخ جمعه» و «أب و ابن»، نمایانگر اندیشه حاکم بر ذهن نویسنده است.

ب) شادی‌گرایی یا غم‌گرایی

بسامد لحن شاد و اندوه‌بار در عناوین مجموعه یکی بود و یکی نبود، به یک میزان است. لحن شاد عناوین «فارسی شکر است» و «دوستی خاله خرسه»، و لحن اندوه‌بار عناوین «درد دل ملأ قربانعلی» و «ویلان‌الدوله»، گواه این مدعا است، حال آنکه در عناوین داستانی مجموعه الوثبة الأولى، رنگی از شادی نیست، عناوین «ضریح الأربعین»، «مهزله الموت» و «الله یرحمه»، رنگی از مرگ دارد. البته شایان ذکر است که در متن داستان‌های هر دو مجموعه، نشانه‌های گرایش به مرگ، خودکشی و نظایر آن فراوان است.

۳.۳ عنوان، در مثلث نویسنده، خواننده، متن

پژوهشگران، عنوان را دارای دلالت‌های مختلف دانسته و تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از آن ارائه داده‌اند.^۱ این دلالت‌ها را می‌توان از سه منظر نگریست؛ برخی از این عناوین رویکردی نویسنده‌گرا دارند و ایدئولوژی و ویژگی‌های روانی نویسنده را نشان می‌دهند. برخی دیگر رویکردی خواننده‌گرا دارند و با تأکید بر مخاطب و استفاده از شگردهای جذب خواننده، سعی بر جذب او دارند و برخی رویکردی متن‌گرا که محتوای متن را مورد توجه قرار می‌دهند و دارای کارکردی ارجاعی‌اند.

الف) نویسنده و عنوان

گزینش عنوان مسأله‌ای است بحث‌برانگیز (ر.ک: یعقوب، ۲۰۰۴: ۹۹) که اغلب نویسنده آن را بر می‌گزیند. «نویسنده می‌کوشد تا عنوانی را برگزیند که در عین تناسب با مضمون کتاب، ملاحظات هنری، زیبایی‌شناسی، روانشناختی و حتی تجاری را نیز در بر بگیرد.» (قطوس، ۲۰۰۱: ۳۱) العونی، عنوانی را که نویسنده خود برای کتابش مشخص می‌کند، «عنوان صحیح» می‌داند، چرا که نویسنده از محتوای کتاب، آگاه‌تر از دیگران است. (ر.ک:

العونی، ۱۴۱۷م: ۲۴۲) جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک نویسندگان و رویکردهای انتقادی یا ادبی او در عنوان نمود می‌یابد و این همان نشانه‌شناسی نویسنده است که موکاروفسکی بدان اشاره دارد. (ر.ک: مکاریک، ۱۳۹۰ش: ۲۹۳)

عناوین مجموعهٔ داستانی یکی بود و یکی نبود، از نشانه‌های ایدئولوژیک و دینی تهی است، حال آن‌که سیطرهٔ فضای مذهبی و دغدغه‌های دینی در عناوین مجموعهٔ داستانی الوثبهٔ الأولى، فراوان است، عناوینی نظیر «عم متولی»، «ضریح الأربعین»، «الشیخ جمعه»، «الله یرحمه». این مسأله در متن داستانهای این دو مجموعه نیز نمود یافته است، آنگونه که جمالزاده، انتقادهای دینی - مذهبی خود را در پوششی داستانی می‌گنجاند، اما تیمور برهنه‌تر از جمالزاده و با طنزی تلخ و گزنده به انتقاد از دین می‌پردازد. توجهٔ جمالزاده به سیاست را نیز از عنوان «رجل سیاسی»، می‌توان دریافت. عنصر مسلط در عناوین داستانهای جمالزاده، تأکید بر زبان (بیشتر زبان عامیانه و شفاهی) و داستان و عناصر آن است، حال آنکه عنصر مسلط در عناوین داستانهای تیمور، دین، جامعه و سیاست است.

ب) خواننده و عنوان

عنوان داستان، نخستین پیوند میان نویسنده و خواننده است که خوانندهٔ داستان، در درک معانی پیدای متن و کشف معانی پنهان از آن یاری می‌جوید. ^۹عنوان، نخستین بخشی است که خواننده آن را می‌خواند، از این رو، نویسنده برای جذب خواننده، در عنوان از شگردهایی سود می‌جوید که خواننده را به خواندن ادامهٔ داستان برانگیزد، از جمله:

* هم‌آیی ناساز واژگان

طنز گاه زادهٔ تناقض واژگان است. «تناقض واژگان در یک ترکیب یا جمله، منجر به ایجاد ناهماهنگی میان گروه هم‌بافت در جمله می‌شود و در نتیجه شوخی زبانی را می‌آفریند؛ (فتوحی، ۱۳۹۰ش: ۳۸۳) نمونهٔ این هم‌آیی ناساز واژگان در عنوان داستان «ویلان‌الدوله» قابل ملاحظه است. همنشینی «ویلان» (به معنای سرگشته، حیران و آواره) با پسوند اشرافی «الدوله» ناسازی طنزگونه‌ای آفریده است.^{۱۰} در داستان «مهزلهٔ الموت» نیز نمونهٔ این ناسازی واژگان قابل ملاحظه است؛ مهزلهٔ (در معنای کم‌دی) با بار معنایی شاد آن، همنشین الموت با بار معنایی اندوه است.

* نوستالژی عنوان

عناوین گاه دارای عناصر نوستالژیک‌اند. از عنوانهای نوستالژیک در مجموعه یکی بود و یکی نبود، عنوان ضرب‌المثل وار «دوستی خاله خرسه» است. عنوان «حکایت» نیز در آغاز هر داستان این مجموعه، از دیگر نمونه‌های عنوانهای نوستالژیک است. در مجموعه الوثبة الأولى نیز عنوانهایی نظیر «الشیخ جمعه» و «أب و ابن» دارای این ویژگی است. «الشیخ جمعه» از خاطرات کودکی تیمور در فضایی روستایی نشأت گرفته است. «أب و ابن» نیز با یادآوری جدال پیوسته دو نسل، از عناوین نوستالژیک به شمار می‌آید.^{۱۱} اسطوره برتری پدر بر پسر و تاریخ هزاران ساله این برتری از این عنوان آشکار است، اما پایان باز داستان، سرانجام این جدال را در روزگار معاصر، مورد تردید قرار می‌دهد، بویژه آنکه شخصیت اصلی داستان پسر است، نه پدر.

* تعلیق

تعلیق در داستان گاه از عنوان آغاز می‌شود. این تعلیق، ابهامی آغازین در ذهن خواننده خلق می‌کند و او را به خواندن داستان برمی‌انگیزد. تعلیقی که در داستان‌های «درد دل ملأ قربانعلی» (نامشخص بودن درد دل قربانعلی برای خواننده) و «بيله^{۱۲} دیگ بيله چغندر» (ناآشنا بودن واژگان و مشخص نبودن معنی آنها) از مجموعه یکی بود و یکی نبود و «يحفظ فی البؤسطة» (ساخت مجهول جمله) و «سبب التعارف» (نامشخص بودن علت آشنایی)، از مجموعه الوثبة الأولى، هست، از شگردهایی است که نویسنده برای جذب خواننده به کار می‌گیرد.

ج) متن و عنوان

یکی از الگوهای تحلیل و تبیین متن ادبی، «مسأله تحلیل ساختار متن یا انسجام متن با توجه به نام و عنوانهای اصلی آن است که شامل روابط و مناسبات میان جملات و عباراتی است که در یک مجموعه آورده می‌شود تا اثر را به یک ساختمان منسجم و همبسته تبدیل کند، چرا که میان عنوان و مقدمات هر جزء هنری و ادبی با شاکله متن ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد که کشف این ارتباط در محورهای زبانی، ساختاری و محتوایی می‌تواند، به تحلیل واقعی متن بیانجامد.» (گرچی، ۱۳۹۰: ۱۸۶)

برخی از عناوین داستانی این دو مجموعه، همسو با بافت داستان‌اند و برخی دیگر با بافت داستان در تقابل‌اند.^{۱۳} از نمونه‌های تقابل عنوان و متن که در این دو مجموعه قابل ملاحظه است، می‌توان به عنوانهای «درد دل ملأ قربانعلی»، «الشیخ جمعه»، «عم متولی»، «ضریح الأربعین» و «الله یرحمه»، اشاره کرد که پیش‌زمینه‌ای دینی در ذهن خواننده می‌آفریند، حال آنکه با خواندن

متن داستان، انگاره‌های خواننده می‌شکند و نقد دینی نویسنده نمود می‌یابد. این واژگونی عنوان در متن داستان، تقابلی محتوایی میان عنوان و متن می‌آفریند. در عنوان «رجل سیاسی» نیز خواننده تصور می‌کند با داستانی جدی روبرو است، حال آنکه زمینه‌های طنز سخن و شخصیت سست سیاستمداران این داستان این فرضیه را رد می‌کند. عنوان «القلم الأبنوس» نیز از این گونه است؛ این عنوان نشانه‌ای اشرافی (الأبنوس) در خود دارد و با فقر حاکم بر متن داستان در تقابل است. چنین تقابلی یکی از شگردهای جذب خواننده و تحریرض او بر ادامه خواندن داستان است.

۳.۴ عناصر شعری عنوان

الف) موسیقی

عناوین کتب کهن فارسی و عربی، اغلب عناوینی مسجع و آهنگین بود،^۴ این عناوین موسیقایی که به تقلید از عربی به فارسی راه یافته بود، تا دورهٔ قاجار ادامه داشت. نشانه‌هایی از این عناوین مسجع و آهنگین هرچند در عناوین داستانی دورهٔ تکوین ادبیات داستانی نیز ملاحظه می‌شود، اما رهایی از واژه و سجع و موسیقی و توجه به محتوای متن و عناصر داستانی در آثار این روزگار شایان توجه است. جمالزاده با انتخابی مسجع، نظیر یکی بود و یکی نبود، «بیله دیگ بیله چغندر» و تیمور با آهنگ نرم «الله یرحمه» یا کاربرد جادوی مجاورت در عنوان «أب و ابن»، به جنبه‌های موسیقایی سخن توجه داشته‌اند. این جادوی مجاورت در عنوان «دوستی خاله خرسه» نیز ملاحظه می‌شود.

ب) خیال‌انگیزی

عناصر قصه‌وار، در عناوین داستانی یکی بود و یکی نبود («یکی بود و یکی نبود» و «دوستی خاله خرسه») بیش از الوثبهٔ الأولى است. گذشته از آن، عنوانهای اسمیه (یکی بود و یکی نبود، «فارسی شکر است»، «الله یرحمه») شاعرانه‌تر از عنوانهای فعلیه («یحفظ فی البؤسطة») هستند. یکی از دلایل این شاعرانگی، فضای باز جملات اسمیه و محدود بودن جملات فعلیه در زمانی مشخص است.

یکی از اصول مورد توجه نشانه‌شناسان، نشانه‌های بلاغی است که در زیباشناسی متن مؤثراند (گیرو، ۱۳۸۰: ۹۷-۹۸) از منظر بلاغی، تنها تشبیهی که در عناوین داستانی مجموعه

یکی بود و یکی نبود ملاحظه می‌شود، تشبیه بلیغ (عقلی به حسّی) «فارسی شکر است»، است. عناوین داستانی الوثبة الأولى، از هرگونه آرایه بیانی تهی است.

گذشته از آن، بسامد واژگان عینی (objective) و ذهنی (subjective) در عنوانهای داستانی، نشان‌دهنده گرایشهای نویسنده است. «یکی از موضوعات درخور توجه در بررسی نامهای یک مجموعه، توجه به میزان گرایش صاحب اثر به ساحت ذهن و عین و توجه او به رابطه جهان درون و بیرون است، بگونه‌ای که گرایش هر شاعر به هر کدام از این دو بعد می‌تواند یکی از عوامل تعیین کننده جایگاه سراینده در مکاتب ادبی محسوب شود. هر قدر توجه شاعر به امور انتزاعی بیشتر باشد، در احضار کلمات، بیشتر به امور ذهنی توجه دارد و از نظر مکتبهای هنری هم در زمره سوررئالیستها و رمانتیستها محسوب می‌شود و هر قدر میزان بسامد کلمات عینی و محسوس در کلام و نوشتار او بیشتر باشد، نماینده گرایش او به مکتب رئالیست است.» (گرچی، ۱۳۸۹ش: ۳۱) ذهنیت‌گرایی عنوانها، خیال‌انگیزی را در آنها شدت می‌بخشد. خیال‌انگیزی و گریز از جهان واقع، در عناوین مجموعه یکی بود و یکی نبود، بیش از الوثبة الأولى است. با وجود اینکه محتوای داستانهای جمالزاده واقعه‌گرا است، خیال‌انگیزی‌های زبانی و داستانی، موجب اندک بودن عناوینی واقع‌گرا، نظیر «رجل سیاسی» در این مجموعه است. این مسأله نشان‌دهنده گرایشهای رمانتیکی است که از روزگار پیشین در ذهن نویسنده بر جای مانده است. تیمور، واقعی می‌نویسد و عناوینی واقعی برای داستانهایش بر می‌گزیند. عناوینی واقعه‌گرا، نظیر «عم متولی» و «الشیخ جمعه» که از شخصیت‌های اصلی داستان گرفته شده‌اند، همخوان با فضای داستان است و حکایت از تمرکز نویسنده بر عنصر شخصیت دارد، تا آن‌جا که توجه به پرداخت شخصیت بویژه در داستان «الشیخ جمعه»، موجب کم رنگ شدن و یا حتی محو دیگر عناصر داستانی شده است.^{۱۵} عناوین دیگر این مجموعه، نظیر «ضریح الأربعین»، «بنت الجیران»، «القلم الأبنوس»، «الأجرة»، «أب و ابن»، «بجف فی البؤسطة»، آشکارا به دنیای واقعی تعلق دارند.

۵,۳ دگرگونی عنوان

نویسنده گاه عنوان کتاب را تغییر می‌دهد و این عنوان متأخر، عنوان مقدم را از میان می‌برد^{۱۶}؛ گاه نیز نویسنده برای کتابش دو عنوان را برمی‌گزیند.^{۱۷} (ر.ک: العونى، ۱۴۱۹ق: ۲۳) این مسأله نشان‌دهنده دغدغه نویسنده برای گزینش عنوان است. جمالزاده، عناوین داستانی‌اش را در

مجموعهٔ یکی بود و یکی نبود، بی‌هیچ تغییری آورده است؛ اما محمود تیمور، برخی از عناوین داستانی خود را تغییر داده است، برای مثال تیمور، داستان «الشیخ سید عبیط» را با عنوان «ضریح الأربعین» و با تغییراتی، تجدید چاپ کرده است.^{۱۸}

نتیجه‌گیری

عنوان، بخشی جدایی‌ناپذیر از متن و نخستین بخشی است که خواننده با آن روبرو است. پیدایش علم عنوان، تاریخ عنوان، تنظیم فهرست‌هایی، نظیر کشف‌العناوین، فهرس‌العناوین، نمایهٔ عنوان و فهرست‌وارهٔ عناوین هر یک بر اهمیت آن تأکید دارد. در دورهٔ مشروطه و نهضت نوع داستان دگرگون شد و گونه‌هایی جدید پدید آمد. در پی این دگرگونی، عناصر و اجزای داستان، از جمله عناوین داستانی نیز دگرگون شد و زبان، شکل، ساختار و محتوایی تازه یافت. از جمله نخستین نمونه‌های داستانی این روزگار، یکی بود و یکی نبود و الوثبة الأولى است.

عناوین مجموعهٔ داستانی الوثبة الأولى از منظر شکل، از تنوع و پویایی بیشتری برخوردار است و شامل انواع مختلفی از عناوین یک‌کلمه‌ای، عبارتی و جمله‌ای است، هر چند که بسامد عناوین منفعل در هر دو مجموعه بیش از عناوین پویا است. گذشته از آن، عناوین شکلی نیز که نوع و گونهٔ اثر را مشخص می‌کنند، در هر دو مجموعه مشاهده می‌شود، هر چند این نوع از عناوین در مجموعهٔ داستانی یکی بود و یکی نبود، نه تنها نوع، گونهٔ داستانی اثر را نیز مشخص می‌کند.

از منظر محتوا بسامد نشانه‌های ایدئولوژیک در «الوثبة الأولى» بیش از «یکی بود و یکی نبود» است. عنصر مسلط در عناوین داستانهای جمالزاده، تأکید بر زبان (بیشتر زبان عامیانه و شفاهی) و داستان و عناصر آن است، حال آنکه عنصر مسلط در عناوین داستانهای تیمور، دین، جامعه و سیاست است. گذشته از حضور عناصر سنت و تجلّد در هر دو مجموعه، بسامد عناصر اندوه‌بار در «الوثبة الأولى» بیش از «یکی بود و یکی نبود» است.

از منظر شعری و داستانی، نشانه‌های موسیقایی در عناوین این دو مجموعه اندک است. گذشته از آن، عناوین خیال‌انگیز مجموعهٔ «یکی بود و یکی نبود»، بیش از «الوثبة الأولى» است. عناوین واقع‌گرا در «الوثبة الأولى» بسامد بیشتری دارد. عنصر تعلیق در هر دو مجموعه هست، اما عنصر جدال تنها در «الوثبة الأولى» ملاحظه می‌شود.

این عناوین در مثلث نویسنده، خواننده و متن قرار می‌گیرند. برخی از این عناوین رویکردی نویسنده‌گرا دارند و ایدئولوژی و ویژگیهای روانی نویسنده را نشان می‌دهند. برخی دیگر رویکردی خواننده‌گرا دارند و با تأکید بر مخاطب و استفاده از شگردهای جذب خواننده (عناصر نوستالژیک، تعلیق و هم‌آیی ناساز واژگان)، سعی بر جذب او دارند و برخی رویکردی متن‌گرا که محتوای متن را مورد توجه قرار می‌دهند و دارای نوعی رابطه همسویی یا واژگونی با متن‌اند.

با توجه به دو مجموعه داستانی یاد شده، پویایی تیمور در «الوثبة الأولى»، از منظر شکل و محتوا بیش از «یکی بود و یکی نبود» است. سنت‌گزینی تیمور، در عناوین داستانی وی نیز آشکار است. تیمور با شکستن عناوین سنتی و جهشی که خود آن را «جهش نخستین» می‌خواند، گام در راه نگارش گونه داستانی جدید می‌گذارد. این سنت‌شکنی‌ها در دایره عنوان، در عناوین داستانی مجموعه «یکی بود و یکی نبود» جمالزاده نیز ملاحظه می‌شود، اما جمالزاده، تمرکز خود را بر زبان و تیمور بر محتوا قرار داده است.

پی‌نوشتها

۱. العنوان: عنوان الكتاب؛ وفيه ثلاث لغات: عنونته، عننته، عنيته (نک. خلیل بن احمد، بی‌تا: ذیل عن و عنو). «این واژه به مفهوم عنصر فرامتنی (Paratextuel) است که امکان تمیز یک اثر ادبی را از آثار دیگر فراهم می‌آورد.» (کهنمویی، ۱۳۸۱ش: ۸۸۷)

۲. رؤوس ثمانية عبارتند از: سمته علم، مؤلف (مدون یا مؤسس) علم، غرض علم، منفعت یا فایده علم، مرتبه علم، جنس علم، قسمت علم، و روشهای تعلیم علم. (ر.ک: شیرازی، ۱۳۱۷-۱۳۲۰ ش: ۲۵۲/۱-۲۵۴) درباره «سمت علم» اختلاف نظر است؛ در این میان برخی نظیر تفتازانی و قطب‌الدین شیرازی سمت علم را، نام و عنوان آن علم دانسته‌اند.

۳. اهمیت عنوان کتاب تا آنجا است که گاه مؤلف و نوادگان وی، با عنوان کتاب خود نامیده می‌شدند، برای مثال نوادگان محمدباقر خوانساری، صاحب روضات الجنات، به روضاتی و نوادگان شیخ محمدحسن نجفی، صاحب جواهرالکلام، در ایران به جواهرالکلام و در عراق به آل‌جواهری مشهورند و یا شیخ جعفر کبیر، صاحب کتاب کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، کاشف‌الغطاء نام گرفت و عنوان کتاب او نام نوادگانش گشت. (اسفندیاری، ۱۳۶۹ش: ۵) گذشته از آن، محل نزاع بودن عنوان برخی کتب، تأکیدی است بر اهمیت عنوان؛ به عنوان نمونه صورت صحیح عنوان کتاب البیان جاحظ (البیان و التبین یا البیان و التبین) محل نزاع است. (ر.ک: البوشیخی، ۱۳۹۸ق: ۷۷)

۴. متن موازی (Equivalent Text)، شامل عناصری چون عنوان، مقدمه، اهدا، توضیح، یادداشت، پاورقی،

هامش، خلاصه، تصویر، شکل و... است. (المطوی، ۱۹۹۷م: ۱۹۵)

۵. هارالد واینریش، دو گروه زمانی را از یکدیگر متمایز می‌کند: گروه اول (حال، آینده و ماضی نقلی) و گروه دوم (ماضی مطلق، استمرار، بعید و شرطی)؛ افعال گروه اول به تفسیر و افعال گروه دوم به حکایت تعلق دارند. (ر.ک: تادیه، ۱۳۷۸ش: ۲۲۳-۲۲۴) که وجه تفسیری در عناوین این دو مجموعه بیشتر است.
۶. مطلق‌گرایی، بی‌توجهی به شخصیت‌پردازی، زمان و مکان فرضی، زبان و لحن یکسان شخصیت‌ها، اصل اعجاب‌برانگیزی و نبود رابطه علی و معلولی در حوادث، محتوایی متعلق به گذشته، از ویژگی‌های حکایت است. (داد، ۱۳۸۰ش: ۲۳۴)
۷. نشریه کاوه در معرفی مجموعه یکی بود و یکی نبود جمالزاده که آن را با عنوان «حکایت» آورده است، نوشته است: «این کتاب مشتمل است بر حکایت‌های شیرین و دلچسبی که نتیجه اخلاقی را متضمن هستند و مانند رمان‌های فرنگی زندگی اجتماعی را نشان می‌دهد و موضوع همه آنها راجع به ایران است.» (کاوه، ۲۲ آبان ۱۳۹۰، شماره ۶۰، ص ۸)
۸. ویگنر، عنوان را دارای چهار کارکرد می‌داند: تسمیه، تعیین، اِشهار و شرح (Vigner, 1980:30):
میتران، برای عنوان سه کارکرد تعیین، تحریر و ایدئولوژی را بر می‌شمارد (ر.ک: حمدادی، ۱۹۹۷م: ۱۰۰) و ژنت، چهار کارکرد اغراء، ایحاء، وصف و تعیین را از کارکردهای عنوان می‌داند. (همان: ۱۰۶)
۹. به اعتقاد جارویس رای، «خواننده نباید خودش را بیش از اندازه گرفتار یافتن مرجع عنوان داستان کند، چون خود بافت داستان معمولاً برای پی بردن به اهمیت عنوان‌های تلویحی کفایت می‌کند؛ اما اگر مرجع عنوان را یافت، آنگاه درمی‌یابد که این مرجع با خود داستان پیوندی قابل تأویل دارد.» (جارویس رای، ۱۳۷۵ش: ۸)
۱۰. «تا اواخر عهد قاجاریه اسم‌هایی چون همدم‌الملوک و مهین‌الملک و افسرالدوله و فروغ‌الدوله و سالارالدوله و غیره نیز شایع بود و به قیاس با آن و به طنز ترکیباتی چون سرانجام‌الدوله و دربان‌الدوله (سیاحتنامه ابراهیم بیگ، ۱۶ و ۶۰) و ویلان‌الدوله ساخته شده که این آخری هنوز هم به کار می‌رود... ترکیباتی که دو جزء آن اسم است و جزء اول مضاف و جزء دوم مضاف‌الیه محسوب می‌گردد و «ال» در حکم کسره اضافه است. اضافه در اینجا از نوع اضافه تخصیصی و ملکی است.» (صادقی، ۱۳۵۳ش: ۱۳۲)
۱۱. عنصر جدال، تنها در عنوان «أب و ابن» ملاحظه می‌شود.
۱۲. واژه ترکی بیله [ل/ل] (به معنی همچنین) است.
۱۳. «در ادبیات معاصر، گاهی عنوان هیچ رابطه مستقیمی با اثر ندارد. این بدان سبب است که اغلب هنرمندان معاصر، نگاهی پدیدارشناختی نسبت به واقعیت دارند. ادراک آنان از جهان پیرامون، ناپیوسته و شامل اجزای پراکنده‌ای است که یک عنوان در حالت کلی خود قادر نیست به آنها وحدت و انسجام ببخشد؛ مانند رمان کلود سیمون تحت عنوان افاقیا که بحران دو جنگ جهانی را از خلال تنشها و خاطره‌آفرینی‌های دو قهرمان داستان که درگیر مسائل جنگ بوده‌اند، روایت می‌کند. توصیف بسیار کوتاه از شاخه افاقیا، تنها یک ادراک قهرمان در میان هزاران ادراک دیگر است یا آوازه‌خوان طاس اثر یونسکو، نمایشنامه‌ای است که عنوان آن هیچ ارتباطی با موضوع ندارد.» (کهنمویی، ۱۳۸۱ش: ۸۸۸-۸۸۹)

۱۴. «سنت مسجّع آوردن نام کتب و استفاده از واژه‌های متجانس در ترکیب آنها به تاسی از نویسندگان عرب بوده است؛ این نکته قابل ذکر است که در ادبیات عرب تا قرن چهارم عنوان کتاب، محتوای آن بوده است؛ مثل حیوان که شامل اوصاف حیوانات است، یا البخلا که در اخبار بخیلان است؛ ظاهراً اولین اثر عربی که نام مسجّع بر آن نهاده شده است، جامع البیان فی تفسیر القرآن، متعلق به قرن دوم هجری است...؛ فارسی‌زبانان اگرچه محتوای اثر را به فارسی می‌نگاشتند، اما از نظر نامگذاری کمتر استقلال از خود نشان می‌دادند و نفوذ زبان عربی در این زمینه مسلط و غالب بوده است، در قرنهای بعد این نوع نام‌گذاری سنتی شد که تا دوره قاجاریه ادامه یافت.» (مهیار، ۱۳۷۸ش: ۵۲)

۱۵. نام شخصیت‌های اصلی داستان، گاه آشکارا برای عنوان داستانها آمده («ملاً قربانعلی»، «عم‌متولی»، «الشیخ‌جمعه») و گاه به شکل ضمنی («رجل سیاسی»، «ویلان‌الدوله»، «مغفل»، «أب و ابن») ذکر شده است. ذکر نام یا لقب شخصیت‌های داستانی در عنوان، در مجموعه «الوثبة الأولى» نمودی بیشتر دارد. شخصیت‌هایی که در عنوان از آنها نام برده می‌شود، اغلب شخصیت‌های اصلی داستان‌اند، اما تیمور، در عنوان داستان «بنت الجیران»، شخصیتی فرعی را عنوان داستان قرار داده است. گذشته از آن، در عنوان «أب و ابن» نیز، شخصیت اصلی ابن، همشین شخصیت فرعی و چیره‌أب است.

۱۶. نمونه‌ای از تغییر عنوان کتاب به وسیله نویسنده در کتاب تاریخ الإسلام امام‌الذهبی، قابل ملاحظه است. «نویسنده تاریخ اسلام ابتدا این کتاب را تاریخ الإسلام و طبقات المشاهیر و الأعلام نامید، سپس طبقات را به وفیات تغییر داد و نام کتاب را تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام گذاشت.» (العونی، ۱۴۱۹ق: ۲۳)

۱۷. نمونه‌ای از چند عنوانی در داستان «کباب‌غاز» جمالزاده مشهود است. عناوینی که در آغاز این داستان آمده است، اینگونه است: «رساله در حکمت مطلقه (از ماست که بر ماست و یا حکایت کباب‌غاز)» (رک: جمالزاده، ۱۳۱۴ش: ۱۲۲۱)

۱۸. تیمور، ابتدا تحت تأثیر برادرش محمد- و نیز خاورشناسان و نویسندگان غربی به زبان عامیانه گرایش یافت؛ اما بعدها عامیانه‌نویسی را موجب ضعف سخن دانست و به عربی فصیح گرایید. نمایشنامه‌المخبأرقم ۱۳ (پناهگاه شماره ۱۳)، از جمله آثاری بود که تیمور یک‌بار آن را به زبان عامیانه نوشت، سپس به زبان فصیح بازنویسی کرد.

منابع و مأخذ

۱. اسفندیاری، محمد. (۱۳۶۹ش). «عنوان کتاب و آیین انتخاب آن»؛ آینه پژوهش، شماره ۳، صص ۴-۱۴.
۲. بلقاسم، حمام. (۲۰۰۷م). «وظائف العنوان»؛ مجله الآداب، العدد ۱۲، صص ۷-۱۹.
۳. البوشیخی، الشاهد. (۱۳۹۸ق). «قضیه عنوان کتاب البیان للجاحظ»؛ المجمع اللغه العربیة بدمشق. المجلد الثالث و الخمسون، الجزء ۱، صص ۷۷-۱۰۶.

۴. تادیه، ژان ایو. (۱۳۷۸ش). نقد ادبی در قرن بیستم؛ ترجمه مهشید نونهالی، تهران: انتشارات نیلوفر.
۵. تقی‌زاده، صفدر. (۱۳۷۲ش). شکوفایی داستان کوتاه در دهه نخستین انقلاب؛ تهران: علمی.
۶. التونسی جکیب، محمد. (بی‌تا). إشکالیة مقاربه النصّ الموازی و تعدّد قراءته عتبه العنوان نموذجاً؛ المغرب: جامعة الملك محمد الخامس.
۷. تیمور، محمود. (۱۹۳۷م). الوثبة الأولى؛ القاهرة: دارالنشر الحديث.
۸. الثعالبی النیسابوری، ابي منصور عبدالملك. (۱۹۸۳م). یتیمه‌الدهر؛ به كوشش مفید محمد قمیحه، الجزء الرابع، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۹. جارویس رای، ترستن. (۱۳۷۵ش). «دربارۀ ادبیات داستانی: شیوه خواندن داستانهای کوتاه»؛ ترجمه شهراد تجزیه‌چی، مجله ادبیات داستانی، شماره ۴۰، صص ۵-۱۲.
۱۰. جمالزاده، سیدمحمدعلی. (۱۳۱۴ش). «رساله در حکمت مطلقه: از ماست که برماست و یا حکایت کباب غاز»؛ مهر، شماره ۲۴، صص ۱۲۲۱-۱۲۲۸.
۱۱. ----- (۱۳۸۹ش). یکی بود و یکی نبود؛ به كوشش علی دهباشی، چاپ ششم، تهران: سخن.
۱۲. الحسینی الجلالی، السیدمحمدرضا. (۱۴۲۰ق). «عناوین الأبواب و تراجمها فی التراث الإسلامی»؛ علوم الحديث، العدد ۵، صص ۷-۸۳.
۱۳. حمداوی، جمیل. (۱۹۹۷م). «السیمیوطیقا و العنونه»؛ مجله عالم الفكر، المجلد الخامس و العشرون، العدد الثالث.
۱۴. خلیل بن احمد، ابي عبدالرحمن. (بی‌تا). کتاب العین؛ تحقیق مهدی المحزومی و ابراهیم السامرائی، بغداد: دارالرشید.
۱۵. داد، سیما. (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات ادبی: واژه‌نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی به شیوه تطبیقی و توضیحی؛ تهران: مروارید.
۱۶. رحیم، عبدالقادر. (۲۰۰۸م). «العنوان فی النصّ الإبداعی، أهمیته و أنواعه»؛ مجله جامعة محمد خیضر سکره (الجزایر)، العدد الثانی و الثالث، صص ۳۲۳-۳۴۴.

۱۷. سوسور، فردینان دو. (۱۳۷۸ش). *درآمدی بر معنی‌شناسی*؛ ترجمه کورش صفوی، تهران: هرمس.
۱۸. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰ش). *شعر معاصر عرب*، تهران: سخن.
۱۹. شیرازی، قطب‌الدین. (۱۳۱۷-۱۳۲۰ش). *دره التاج لغره الدباج*؛ به کوشش و تصحیح سید محمد مشکوه، تهران: چاپخانه مجلس.
۲۰. صادقی، علی اشرف. (۱۳۵۳ش). «*درباره ترکیبات ال‌دار عربی در فارسی*»؛ *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شماره ۸۶ و ۸۷، صص ۱۲۹-۱۳۶.
۲۱. العونی، الشریف حاتم بن عارف. (۱۴۱۷ق). «*صحّة عنوان الكتاب، أهمیته و أمثله للأخطاء فيه*»، *الحکمه*، العدد ۹، صص ۲۴۱-۲۵۸.
۲۲. فتوحی، محمود. (۱۳۹۰ش). *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها*؛ تهران: سخن
۲۳. قطوس، بسام. (۲۰۰۱م). *سیمایه‌العنوان*؛ الأردن: وزارة الثقافة.
۲۴. کاوه. (۱۳۹۰ش). «*معرفی مجموعه یکی بود یکی نبود*»؛ شماره ۶۰، ص ۸.
۲۵. گرجی، مصطفی و دیگران. (۱۳۸۹ش). «*نقب و نقدی بر عنوان‌شناسی کتابها و اشعار سلمان هراتی*»؛ *کتاب ماه*، شماره ۱۶۰، صص ۲۳-۳۳.
۲۶. ----- (۱۳۹۰ش). «*تحلیل نشانه-معناشناختی رمانهای سیاسی فارسی از ۱۳۵۱-۱۳۸۰*»؛ *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۲۰، صص ۱۸۳-۲۰۵.
۲۷. گیرو، پی‌یر. (۱۳۸۰ش). *نشانه‌شناسی*؛ ترجمه محمد نبوی، تهران: انتشارات آگاه.
۲۸. المطوی، محمد الهادی. (۱۹۹۷م). «*فی التعالی النصی والمتعالیات النصیة*»؛ *المجله العربیة للثقافة* (تونس)، السنة ۱۶، العدد ۳۲، ص ۱۹۵.
۲۹. مکاریک، ایرنا ریما. (۱۳۹۰ش). *دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر*؛ ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، چاپ چهارم، تهران: آگه.
۳۰. مهیار، محمد. (۱۳۷۸ش). «*نگاهی به معیارهای زیبایی‌شناسی در انتخاب نام کتابها*»؛ *کتاب ماه (ادبیات و فلسفه)*، شماره ۱۹، صص ۵۲-۵۳.
۳۱. میرصادقی، جمال. (۱۳۸۷ش). *راهنمای داستان‌نویسی*، تهران: سخن.

۳۲. یعقوب، ناصر. (۲۰۰۴م). *اللغة الشعرية و تجلياتها في الرواية العربية (۱۹۷۰-۲۰۰۰)*؛

بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.

منابع لاتین:

1. Eco, Umberto. (1979). *A Theory Semiotics*, Blomington In Indiana University Press, London: Macmillan.
2. Vigner, G. (1980). *le »Une Unité Discursive Restreint: Le Titre*. *français dans le monde*. N 156. P30.

فصلنامهٔ لسان مبین (پژوهش ادب عربی)

(علمی - پژوهشی)

سال پنجم، دورهٔ جدید، شماره پانزدهم، بهار ۱۳۹۳

سیمبائیة العنوان *

(دراسة مقارنة للعنونة في «كان يا ماكان» لجمالزاده و«الوثبة الأولى» لمحمود تيمور)

شهره معرفت

الدكتوراة فى اللغة العربية و آدابها

حبيب الله عباسى

أستاذ بجامعة تربيت معلم - تهران

الملخص

يعدّ العنوان، عتبة لدخول النص و جزء لا يتجزأ منه. فالمخاطب وقبل قراءة النص، يواجه العنوان وفق نظام سيميائي ذي أبعاد دلالية، وهو النظام الذي يخلق النص الموازي لنصّه الأصلي. يتناول هذا المقال، بعد المقدمة، ذكر تاريخ علم العنونة في الغرب، وإيران والعالم العربي، ثمّ يتطرق إلى تعريف العنوان و أهميته؛ ثمّ يقوم بمقارنة تحليلية بين عناوين مجموعتي «كان يا ماكان» لمحمد علي جمالزاده و«الوثبة الأولى» لمحمود تيمور؛ سيقراً هذه العناوين، لدراستها في الشكل و المضمون و البنية. يعدّ كلّ من مجموعة «كان يا ماكان» و «الوثبة الأولى»، العينات الأولى من نوع جديد من القصص القصيرة في إيران و مصر. والتحول في البنية الأدبية و القصصية واضح في عناوين هاتين المجموعتين. عناوين مجموعة «الوثبة الأولى» أكثر تنوعاً وديناميكية في الشكل والمضمون من مجموعة «كان يا ماكان». وعنصر التخيّل في عناوين «كان يا ماكان»، يغذي الجوانب الأدبية والقصصية، أكثر من «الوثبة الأولى». كما أنّ تركيز جمالزاده على اللغة وتركيز تيمور على المحتوى، واضح من عناوين هاتين المجموعتين.

الكلمات الدلالية: العنوان، سيميائية، جمالزاده، تيمور، كان يا ماكان، الوثبة الأولى

* - تاريخ الوصول: ۱۳۹۱/۰۲/۲۱ تاريخ القبول: ۱۳۹۲/۱۱/۱۶

عنوان بريدالكاتب الإلكتروني: shohratmarefat@yahoo.com